

نگاه

نگاهی به موسیقی-۹



حمید فرید

● ابوعطا؛ یکی دیگر از آوازهای موسیقی کلاسیک ایران و از متعلقات دستگاه شور به حساب می‌آید. ابوعطا آوازی است با محوریت دستگاه شور که از درجه دوم شور شروع می‌شود و درجه چهارم شور نت شاهد آن است. ریشه تاریخی نام ابوعطا مشخص نیست؛ این آواز را با نام «سارنج» و «دستان‌عرب» نیز می‌شناسند و کن‌ایچی تسوکه (رئیس انجمن بین‌المللی موسیقی سنتی و انجمن تحقیقات موسیقی آسیا در توکیو) احتمال ارتباط بین ابوعطا با یکی از راگاهای هندی به نام سارنگ را مطرح کرده و در جایی ابوعطا به «سارنگ» با معنای مرغ خوش آواز تعبیر شده است. به گوشه ابوعطا و آواز ابوعطا نام دیگری همچون سَرَنی هم داده شده است. فرصت‌الدوله شیرازی (شاعر، نویسنده، نقاش، سیاح و موسیقی‌دان عهد قاجار) معتقد است ابوعطا همان سارنج است (که یکی از شعبه‌های بیست‌وچهارگانه موسیقی قدیم ایران بود) و آواز ابوعطا را قسمتی از فرود شور تلقی می‌کند. از آنجایی که نام سارنج در مآخذ موسیقی قدیم ایران دیده می‌شود، احتمال دارد که نام ابوعطا از دوران ناصری رواج یافته باشد. ابوعطا با نام‌های دیگری چون ابویاتم (پدر یتیمان)، دستان‌العرب و دستان‌العرب نیز شناخته می‌شود. همان‌طور که پیش از این نیز بیان شده بود، یکی از معانی واژه «دستان»، نغمه و سرود است؛ در آواز ابوعطا، شباهت‌های لحنی و آواری بسیاری را می‌توان با فواصل و مقام‌های موسیقی عربی یافت، به این دلیل که نام «دستان‌العرب» نیز برای این آواز استفاده شده است. با همه این تعاریف، ابوعطا دستگاهی کاملاً ایرانی و اصیل به شمار می‌رود. استفاده از ابوعطا در موسیقی بومی ایران بسیار رواج دارد و بخشی از موسیقی مذهبی همچون اذان و قرائت قرآن نیز در این آواز (به‌ویژه در گوشه حجاز که حس و حال عربی دارد)، اجرا می‌شود. نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد نقش مذهب در زنده‌نگه‌داشتن موسیقی ایرانی بوده است؛ در ادوار گذشته موسیقی همیشه با تنگ‌نظری‌ها و رفتارهای ضدوقتیض روبه‌رو بوده و تنها در حفظ و نگهداری موسیقی استفاده از آن در مراسم مذهبی بوده و ازاین‌روست که در بیشتر آوازها و گوشه‌ها که از گذشته به یادگار مانده‌اند، کاربرد مذهبی آن بیشتر دیده شده است. به نقل از استاد ابوالحسن صبا، تجربه بوده که موسیقی ما را حفظ کرده است. با استاد روح‌الله خالقی در کتاب سرگذشت موسیقی ایران آورده است: «نغمه‌ها و گوشه‌هایی که به‌سبب حرمت مذهبی از زندگی مردم دور مانده بود، در پناه تجربه در امنیت ماند و موسیقی ملی در سایه تجربه از نابودی رهانبوده شد». آواز ابوعطا بسیار لطیف و ظریف است و شاید اگر بخواهیم برای دستگاه‌ها و آوازها جنسیت در نظر بگیریم، آواز ابوعطا مؤنث باشد؛ زیرا سرشار از لطافت و ظرافت است. انسان با گوش دادن به ابوعطا کمی به فکر فرو می‌رود و به مسائل فلسفی پیرامونش می‌اندیشد.به این ترتیب تا اندازه‌ای می‌توان نتیجه گرفت کسانی که بیشتر به آواز ابوعطا علاقه دارند و آن را بیشتر از سایر دستگاه‌ها گوش می‌دهند، انسان‌هایی درویش‌مسلك هستند که دائماً به‌دنبال نوعی خواهرش و تماا از معشوق‌اند. ابوعطا را آوازی حزین و درون‌گرا می‌دانند؛ البته باید گفت که شدت حزن آن در مقایسه با دشتی کمتر است؛ چنان که در گوشه حجاز که اوج آواز ابوعطاست، این حزن در جایی به دلیل نزدیک‌شدن به آواز دشتی به نهایت خود می‌رسد. احساسی که این آواز به شنونده‌هایش منتقل می‌کند، باعث می‌شود از جهان بیرون به جهان درون خود پناه ببرند. ازاین‌رو است که جایگاه زمانی مناسب برای شنیدن این آواز را هنگام غروب خورشید یا در انتهای شب می‌دانند.مهم‌ترین گوشه‌هایی که در ابوعطا اجرا می‌شوند، عبارت‌اند از سَنَخی، حجاز، چهارپاغ و گبری (که همگی جزء گوشه‌های دستگاه شور هستند). همچنین گاه گوشه‌های کرشمه، دوبیتی و بسته‌نگار نیز به دلخواه خواننده اجرا می‌شوند. گوشه سَنَخی ادامه و نوعی دیگر از درآمد ابوعطا است که به روایتی منسوب است به موسیقی قومی مذهبی به نام سَنَخ در هندوستان که با گوشه رامکلی یا راک کلیمی، ورود به آواز می‌کند. گوشه خسرو و شیرین که نام یکی از ۳۰ طرح باربد است، در ادامه آواز می‌آید و به روایتی باربد این گوشه را به درخواست شیرین برای خسروپوزیر که عهدی را فراموش کرده بود، ساخته است تا بلکه پرویز را با شنیدن آن به یاد عهدش آورد. آواز ابوعطا در گوشه گُزوری یا گبری (لهجه زردشتیان) سیر می‌کند و در حجاز به اوج می‌رسد و در چهارپاغ فرود می‌آید. شایان ذکر است که گوشه «بوسلِیک» در دستگاه نوا و گوشه «بولچلپ» در دستگاه راست‌پنجگاه و همایون از لحاظ ساختاری با ابوعطا شباهت دارند. به گفته داریوش صفوت، در گذشته پرده‌گردانی ابوعطا معمول نبوده است، اما امروزه گوشه عشاق را برای توجع‌بخشیدن به ابوعطا در اجرای آن به کار می‌برند. از نمونه‌های شنیداری این آواز باید به کاست «عشق دانه» محصول همدانی «استاد محمدرضا شجریان» و «استاد محمدرضا لطفی» اشاره کرد. همیشه بر این باورم که ابوعطا، با آن همه احسان نهفته در گوشه‌گوشه‌اش را باید با نواي مخملین تار لطفی و صدای پیچاپیچ شجریان در «الوم «عشق دانه» شنید.

کیان‌ا آذر: رسول کاهانی، نویسنده و کارگردان تئاتر، متولد ۱۳۶۵ نیشابور، از یک خانواده هنری وارد تئاتر و سینما شده و آثار نمایشی او در حوزه کارهای رئالیست اجتماعی قابل ارزیابی است. کاهانی پیش از این نمایش‌های «زبان اصلی»، «به انشاق خانواده»، «فرق وسط»، «اسکورسبزی»، «تحت تأثیر»، «لنگ ظهر» و «شریت سینه» را روی صحنه اجرا کرده است که در تمام آنها می‌توان بخشی از هویت و ویژگی‌های هنری رسول کاهانی را در مقام یک نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان خلاق و دارای امضا مشاهده کرد.

او در سال ۱۳۹۸ تصمیم به ساخت اولین فیلم بلند خود به نام «منگی» گرفت که اکران این فیلم از تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۹۹ در سینماهای گروه هنر و تجربه آغاز شده است. این فیلم به شیوه پلان-سکانس و بدون هیچ‌گونه تقطیع‌نا فیلم‌برداری شده که تجربه‌ای

جالب از لحاظ شکست زمان به آینده، گذشته و حال است. هرچند پیش از این شهرام مکرری در فیلم «ماهی و گربه» به چنین تجربه‌ای دست زده بود. نسرین درخشان‌زاده، مهدی ضیاچمنی، داریوش رشادت، سرور پیروانی، بهزاد آقاجانی و محمود باوری بازیگران اصلی این فیلم هستند. به این بهانه با رسول کاهانی گفت‌وگو کردیم که به این شرح است:

۴ چقدر در ساخت «منگی» وام‌دار تجربه کار در تئاتر هستید؟
من هر کاری که در تئاتر انجام می‌دهم به من می‌گویند به‌شدت وام‌دار سینما هستم. این یک اتفاق ناخواسته است. در اینجا عکسش اتفاق افتاده، یعنی دوستانی که فیلم را دیدند می‌گویند در «منگی» وام‌دار تئاتر هستم. من یک شیوه تمرینی و یک شیوه تولیدی دارم که مخصوص خودم است و خیلی خاص و عجیب‌وغریب نیست. شاید همین باعث می‌شود که مرز بین سینما و تئاتر شکسته شود و دو هنر به هم نزدیک شوند. در فیلم هم این اتفاق به‌طور ناخواسته افتاده است. من دوست ندارم کسی به من بگوید فیلمت تئاتری است و همچین ادعایی هم ندارم اما از این اتفاق ناراحت هم نیستم اگر کسی فکر کند فیلمم وام‌دار تئاترهای خودم است. برایم خوشایند است.

این شیوه کارکردن چه کمکی به شما می‌کند؟ آیا به‌عنوان کارگردان تئاتر، نسبت به کارگردانی که در سینما گاهی به علت عدم تجربه کافی در ارتباط با بازیگر مجبور به استفاده از «بازیگردان» می‌شوند، تعامل بهتری با بازیگران دارید؟

این شیوه باعث می‌شود بازیگر تداوم حسی بهتری داشته باشد. این بزرگ‌ترین کمک به فیلمی است که به صورت پلان-سکانس فیلم‌برداری شده باشد و ما به تعداد برداشت‌های کمتری می‌توانستیم به نتیجه برسیم که همین اتفاق هم افتاد. خوشبختانه در اولین برداشت‌ها توانستیم به نتیجه برسیم.

۸-چه مدت برای ضبط این پلان-سکانس ۸۰دقیقه‌ای تمرین کردید؟
در کل حدود یک ماه تمرین کردیم، اما این یک ماه به صورت ضروری نبود؛ چون دو نفر از بازیگران -مهدی ضیاچمنی و بهزاد آقاجانی- ساکن مشهد

هستند و از راه دور تمرین می‌کردیم. ۴ روز لوکیشن فیلم‌برداری چقدر تمرین کردید؟ ۱۰ روز تمرین داشتیم و بعد از این بلافاصله فیلم‌برداری را شروع کردیم.

۴ این شیوه کار با بازیگران تئاتر همچنان که حُسن‌هایی دارد مثل تداوم حس، معایبی هم دارد. چقدر بازیگران شما با دوربین و لنز آشنا بودند و تجربه بازیگری در قاب تصویر تا چه اندازه برایشان دشوار بود؟

اساساً تیم کم‌تجربه‌ای بودیم و در ابتدا بازیگر قاب و لنز را نمی‌شناخت و نمی‌دانست کجا باید قرار بگیرد. در عین حال شیرینی این‌رو روند همین تمرینات و به‌نتیجه‌رسیدنش است. شاید اگر بازیگر شناخته‌شده سر کار می‌آمد، این شیرینی تمرین را از دست می‌دادیم و به نتیجه دلخواه نمی‌رسیدیم. اینها همه پیش‌بینی‌های من بود؛ اما فکر می‌کنم آنها مناسب‌ترین گروه برای بازی در چنین فیلمی بودند با تمام ریسک‌هایی که برایم به دنبال داشت.

این فیلم از ابتدا برای نمایش در «گروه هنر و تجربه» ساخته شد؟

۴ گویا تمایل داشتید «منگی» در جشنواره فیلم فجر هم به نمایش درآید؛ اما ظاهراً شما هم با مشکلی که پیش از این گریبان‌گیر آقایان عباس امینسی و پوریا کاکاوند شده بود، یعنی داشتن «پروانه نمایش ویدئویی»، مواجه شدید. اصل موضوع چه بود؟

بله. خیلی دلم می‌خواست ولی حضور در جشنواره فجر متأسفانه دو نکته دارد؛ اولاً خیلی به فیلم‌های «هنر و تجربه» بها نمی‌دهد، دوما ما مشکل پروانه نمایش داشتیم و پروانه نمایش ما غیرسینمایی (ویدئویی) بود و شاید عجیب‌ترین اتفاق در سینمای ما همین باشد. شرط حضور در جشنواره فجر این است که فیلم‌ها حتما باید پروانه نمایش سینمایی داشته باشند و به همین دلیل ما جشنواره را از دست دادیم. در همه جای دنیا من فیلم‌اولی محسوب می‌شوم و در سایر جشنواره‌ها این فیلم، فیلم اول من محسوب می‌شود به‌جز در جشنواره فیلم فجر! امیدوارم یک بزرگ‌تری پیدا شود و بزرگی بکند تا این مسئله حل شود.

گفت‌وگو با «رسول کاهانی»، کارگردان فیلم «منگی»

هر کاری کنم «کاهانی» هستم



۴ چگونه به چنین فرمی رسیدید؟ چرا حس کردید چنین فیلم‌نامه‌ای می‌تواند مناسب چنین فرمی باشد؟

قطعا قالب چنین متنی، چنین فرمی نیست؛ اما من در فیلم‌نامه به این فرم رسیدم. من در فیلم‌نامه‌ای که برای خودم می‌نویسم معمولاً فرم کار را پیدا می‌کنم و بعد این فرم را تمرین می‌کنم. اگر جواب داد ادامه می‌دهم وگرنه تغییرش می‌دهم. پلان-سکانس بودن فیلم، فضای تکرارگونه فیلم و فلش‌بک‌ها و فلش‌فورواردها که در فیلم می‌بینیم چیزی بود که در فیلم‌نامه به آن رسیدیم و نمی‌گویم بهترین راه ساخت چنین فیلمی این فرم است؛ اما دوست داشتم با این فرم امتحانش کنم و دنبال یک قصه اجتماعی و رئالیستی بودم که در قالب این فرم باشد نه اینکه بخواهم سخت و پیچیده‌اش کنم؛ چون پلان-سکانس من خیلی ساده است.

۴ اتفاقاً به نظم پلان-سکانس سختی است از جهت اینکه زمان به کمی قبل، اکنون و کمی بعد شکسته می‌شود. از بابت سهل‌الوصول بودن داستان می‌گویید ساده است؟

هم از بابت داستان روان و هم اینکه من هیچ تأکیدی برای پلان-سکانس بودن فیلم ندارم. یعنی شما بدون هیچ پیچیدگی یا تأکید خاصی فقط با حرکت دوربین به چند دقیقه قبل و چند دقیقه بعد می‌روید، وگرنه از بابت فرایند تولید و اجرا بسیار سخت بود.

۴ یکی از بازیگران فیلم شما آقای ضیاچمنی از کارگردان‌های شناخته‌شده تئاتر مشهد است. همکاری با او چگونه بود؟

تمام بازیگران و البته کمی بیشتر مهدی ضیاچمنی در روند نگارش فیلم‌نامه به من کمک کردند؛ اما در بحث کارگردانی و دکوپاژی و میزاسنی نه، ولی پیشنهادهای کمک‌کننده‌ای در ارتباط با فیلم‌نامه داشتند که در آن شرایط سخت تولیدی، راه‌گشا بود و من همیشه به بازیگرانم اعتماد می‌کنم.

۴ یا چه چالش‌هایی روبه‌رو بودید؟

شما اگر فیلم من را ببینید به وضوح نبود سرمایه در فیلم مشخص است. سرمایه این فیلم کاملاً شخصی است. حتما این شرایط برای تمام دوستان و همکارانی

که همچنان فیلم می‌سازند هم هست. چالش بعدی هم گرفتن پروانه ساخت و نمایش بود که مراحل عجیب‌وغریبی دارد و امیدوارم حل شود. همین‌طور پیداکردن تهیه‌کننده که سال‌هاست دیگران گفته‌اند و گفتش تکرار مکررات است و فکر نمی‌کنم به این زودی‌ها هم این مشکلات حل شوند.

۴ در تولید فیلم تا چه اندازه از راهنمایی‌های برادرشان آقای عبدالرضا کاهانی استفاده کردید؟

برادرم عبدالرضا همیشه به من غیرمستقیم کمک کرده است. او تا همین دو، سه روز پیش نمی‌دانست من فیلم کار کردم. زمانی فهمید که خبر اکران فیلم در صفحات سینمایی کار می‌شد. من متأسفانه با خوشبختانه هر کاری کنم کاهانی‌ام. این خیلی سخت است. همه فکر می‌کنند خب برادرش عبدالرضا کاهانی است و راحت است؛ اما این موضوع به‌مراتب کار را برای من نسبت به کسی که خانواده سینمایی ندارد، دشوارتر می‌کند.

از طرفی همین کم‌وگفت و معاشرت با او درباره فیلم و سینما و... غیر آگاهانه او را برایم به یک استاد غیرمستقیم تبدیل می‌کند که تاکنون از او خیلی یاد گرفتم‌ام و همچنان هم یاد می‌گیرم.

۴ پیش از ورود به سینما تجربه‌ای در این حوزه نداشتید؟ آیا تجربه ساخت فیلم کوتاه یا دستکاری داشتید؟

(می‌خندد) هزار سال پیش! من فیلم کوتاه ساختم و حتی خودم فیلم‌برداری کردم. همچنین تجربه دستکاری و برنامه‌ریزی داشتم. فیلم‌نامه نوشتم، تدوین کردم ولی یک زمان بسیار طولانی فکر می‌کنم ۱۰ سال نبودم و تئاتر کار کردم تا اینکه سال گذشته مجدداً فیلم ساختم.

۴ این مسیر جدید تنها معطوف به سینماست یا ممکن است مجدداً به تئاتر برگردید؟
الان تئاتر شرایطی برای من دارد که شخشا از لحاظ فکری نیاز دارم مدتی دور باشم و کار نکنم تا بتوانم فضای جدیدی برایش پیدا کنم و خودم را در تجربه کنم که چرا باید کاری را به اجرا بزم؛ اما قطعاً تئاتر فراموش نشدنی است و کار خواهم کرد.

۴ در شرایط عجیبی از نظر تعطیلی سینماها و شیوع بیماری کرونا فیلم شما اکران شد. چه تدبیری برای ادامه اکران در این شرایط خاص اندیشیدید؟ آیا به اکران آنلاین فکر می‌کنید؟

شرایط بد، پیچیده و سخت است و چاره‌ای جز این نداریم. فیلم پیش از کرونا در نوبت اکران خوبی قرار داشت و صحبت‌هایی شده بود برای اکران نوروز و این ماجرای کرونا برنامه‌ریزی‌ها را به هم ریخت. فعلاً نمی‌توانم اکران آنلاین داشته باشم چون فیلم را به جشنواره‌های خارجی فرستادیم که عموماً درجه الف هستند و طبق قوانین فعلاً باید برای اکران آنلاین دست نگه داریم. اعتمادکردن به سینماها و سالن‌های تئاتر سخت است؛ اما اگر هرکسی از خودش مراقبت و پروتکل‌های بهداشتی را رعایت کند، فکر نمی‌کنم خیلی اتفاق عجیب‌وغریبی با حضور در سالن‌های سینما و تئاتر و در کل شرکت در هر فعالیت هنری دیگری بیفتد.

زیر درختان زیتون

موفقیت سینمای ایران در جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز

● **گروه هنر:** هفتادوهفتمین جشنواره فیلم ونیز با اعطای جایزه شیر طلایی به فیلم «سرزمین آواره‌ها» ساخته «کلونی ژانو» محصول آمریکا و همچنین جایزه نخست بخش افق‌ها و یک جایزه بازیگری به سینمای ایران شنبه ۲۲ شهریور به کار خود پایان داد.

امسال «کیت بلانشت»، بازیگر استرالیایی برنده اسکار، رئیس هیئت داوران بخش رقابتی ونیز بود و «ورونیکا فرانز» کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس اتریشی، «جوانا هاگ» کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس انگلیسی، «نیکولا لاجیویا» نویسنده ایتالیایی، «گریستین پتولد» فیلم‌ساز آلمانی، «مت دیلون» بازیگر استرالیایی و «لودویان سانیه»، بازیگر فرانسوی به‌عنوان سایر داوران بخش رقابتی ونیز ۷۷. به دآوری فیلم‌ها و انتخاب برنده شیر طلای بهترین فیلم و سایر جوایز اصلی پرداختند.

در بخش بازیگری روح‌الله زمانی برای بازی در فیلم «خورشید» ساخته مجید مجیدی برنده جایزه «مارچلو ماسترویانی» (ویژه بهترین بازیگر نوظهور) شد.

او که به دلیل ابتلا به کرونا نتوانسته بود در جشنواره حاضر شود، پیامی ویدئویی برای جشنواره ونیز با این مضمون ارسال کرد: «از «آلبرتو باربار»»، مدیر جشنواره ونیز و «کیت بلانشت»، رئیس هیئت داوران و همچنین آقای مجیدی تشکر ویژه می‌کنم که مسیر زندگی من را به‌طورکلی تغییر داد.

من از دل بچه‌های کار بیرون آمدم و امیدوارم روزی در هیچ‌جای جهان هیچ کودک کاری



وجود نداشته باشد و تمام امکانات پیش‌روی آنها باشد.

مجید مجیدی که برای دریافت جایزه روی صحنه رفت نیز در صحبت‌های کوتاهی از مدیران جشنواره ونیز تشکر کرد که در چنین شرایط سخت کرونایی جشنواره را برگزار کردند و جان دوباره‌ای به سینما دادند.

شمیلا شیرزاد، دیگر بازیگر نوجوان فیلم «خورشید» که همراه مجید مجیدی به نمایندگی از روح‌الله زمانی برای دریافت جایزه روی صحنه اختتامیه جشنواره ونیز رفت هم گفت: «من و امثال روح‌الله تمام زندگی‌مان را در خیابان دست‌فروشی کرده‌ایم. من تا یک سال پیش در مترو و خیابان دست‌فروشی می‌کردم. از آقای مجیدی و سینما تشکر می‌کنم که رؤیاهایمان را به ما بازگرداند.»

همچنین فیلم «جنایت بی‌دقت»، به نویسندگی نسیم احمدپور و شهرام مکرری، کارگردانی مکرری و تهیه‌کنندگی نگار اسکندرفر، جایزه بهترین فیلم‌نامه اورژینال را از انجمن منتقدان مستقل دریافت کرد.

در بخش «افق‌ها» نیز فیلم «دشت خاموش» ساخته احمد بهرامی از ایران جایزه اصلی بهترین فیلم را از آن خود کرد.

«دشت خاموش» دومین فیلم احمد بهرامی با بازی علی باقری، فرخ نعمتی، مهدیه نساج، مجید فرهنگ و توح الوند است. فیلم داستان لطف‌الله مردی تنه‌است که به‌عنوان پیش‌کار در یک کوره آجرپزی کار می‌کند و رابط میان صاحب کوره و کارگران است. صاحب کوره روزی همه کارگران را جمع می‌کند و خبری را به آنها می‌دهد که زندگی همه کارگران را دچار دگرگونی می‌کند.

احمد بهرامی نیز که در جشنواره ونیز حضور نداشت، در پیامی ویدئویی از «آلبرتو باربار» و همکاری‌اش برای داشتن شجاعت و برگزاری جشنواره در این شرایط سخت قدردانی کرد.

او همچنین از سعید بشیری، تهیه‌کننده و مسعود امینی‌تیرانی، فیلم‌بردار و همچنین سایر عوامل ساخت فیلم «دشت خاموش» تشکر کرد و این جایزه را به مردم ایران تقدیم کرد که با وجود تحریم‌های ناعادلانه روزگار سختی را سپری می‌کنند.

فیلم «دشت خاموش» به کارگردانی احمد بهرامی جایزه فیپرشی (جایزه انجمن جهانی منتقدان) را نیز در این بخش دریافت کرد. این فیلم علاوه بر جایزه فیپرشی، موفق به دریافت جایزه بنیاد فای (اعتماد ملی ایتالیا) هم شد که هرساله به بهترین فیلم با موضوع کار و مسائل مربوط به محیط زیست اعطا می‌شود.

هفتادوهفتمین جشنواره فیلم ونیز از دوم تا دوازدهم سپتامبر (۱۲ تا ۲۲ شهریور ۱۳۹۹) برگزار شد.